

جهان پزشکی

ارگان کانون پزشکان... دندان پزشکان ایرانی فایده تحصیل از دانشگاه های آلمان و اطریش

شماره ۲ - سال ۹

نویسندگان این شماره:

- دکتر رضا آقایی
- دکتر سیروس جباری
- دکتر احمد رفیعی
- دکتر رحیمه رفیعی
- دکتر سحر
- دکتر محمد عباسی
- فروزین
- دکترج - کاشانی زاده
- دکتر پرویز میکده
- دکتر ا. دانشیان

پی جمله: پروفسور واینتر

روز ۱۷ ژوئن

پروفسور واینتر استاد حقوق
 کار در دانشگاه بین، نظرات
 خود را در زمینه رفع تحسین
 از پزشکان ایرانی در آلمان
 در شهر کن طرح می کند

Binotal 1g
 Durchbruch zu noch größerer therapeutischer Sicherheit

optimiert
 bei schneller
 lokaler
 Wirkung

nutzt
 die volle therapeutische
 Breite bei besten
 ohne Toxizität

erleichtert
 höhere
 Dosierung
 Anwendung

Binotal
 breites Spektrum
 breites Indikationsgebiet
 breites Sortiment

**Basis für umfassende
 Anwendung in der Praxis**

Für jeden Patienten die geeignete Applikation:

Binotal 1 g	neu! 15 Tabletten zu 1 g	34,80 DM
Binotal 1 g	20 Tabletten zu 1 g	37,50 DM
Binotal 100 mg	neu! 12 Kapseln zu 100 mg	32,00 DM
Binotal 100 mg	20 Kapseln zu 100 mg	35,00 DM
Binotal 200 mg	12 Kapseln zu 200 mg	37,50 DM
Binotal 200 mg	20 Kapseln zu 200 mg	40,00 DM

Kontraindikation: Akute Pharyngitis, Mandelentzündung
zur Beachtung: Anwendung nach ärztlicher Anweisung
 Die Packung enthält 100 mg Natriumchlorid pro Tablette
 Die Packung enthält 100 mg Natriumchlorid pro Tablette
 Bayer AG, D-50909 Leverkusen, FRG

معرفی مجله

«جهان پزشکی»

(منتخبی از مقالات مجله «جهان پزشکی» ارگان کانون پزشکان و دندان پزشکان ایرانی فارغ التحصیل از دانشگاه های آلمان و اطریش)

یاد و خاطره ای رفقای توده ای احمد دانش، پرویز میکده و ...

**Alles
was Sie
von einem echten
Breitspektrum-Antibiotikum
erwarten,**

erfüllt

Vibramycin[®]

nur 1 Dosis täglich

**Unübertroffen breites Wirkungsspektrum
Hohe Gewebespiegel
Gute Verträglichkeit
Schnelle Resorption
Lange Wirkung**

Kapseln · Saft · Tropfen

Pfizer

جهان پزشکی

ازبان کانون پزشکان و دندان پزشکان ایرانی

فاز انتشارات دانشگاههای آلمان پیش

زیر نظریت تحریریه و بهسرت بیت مدرسه

هدف کانون پزشکان و دندان پزشکان فارغ التحصیل
 ارد دانشگاههای آلمان عدول بخاطر حفظ منافع صنفی
 و دفاع از حقوق اجتماعی کلیه پزشکان ایرانی تأسیس میگردد .
 این کانون بهیچ حزبی و دسته سیاسی بستگی ندارد و بر
 اساس تساوی حقوق اعضا تشکیل میشود .
 ماده يك از اساسنامه

نشانی پستی :
 دوسلدورف - آلمان غربی
 4 DUSSELDORF
 Postfach 2307
 W.GERMANY
 صندوق پستی شماره ۲۳۰۷

شماره پستی : آلمان عدول
 Postcheck - Konto Köln 105636

ایران - بانک صادرات شعبه تحریر شماره ۱۰۰۰

در مجله جهان پزشکی کلیه مقالاتی که مطالب آن از نظر
 اجتماعی و علمی در حدود مسائل مربوط بصنف پزشکان
 و علوم پزشکی باشند، به ترتیب ورود و با رعایت نوبت و تحت
 نام نویسنده چاپ میگردد .
 مقالات باید به زبان فارسی و در دو نسخه و با خط خوانا
 نوشته شده باشند .
 هیئت تحریریه در درج و حذف اصلاح و رد مقالات آزاد است
 درج مطالب این مجله با ذکر ماخذ آزاد است .

بهای تک شماره در آلمان دو مارک، ایران ۱۰ ریال و
 برای دانشجویان یک مارک سایر کشورهای معادل آن

مطالب این شماره : از صفحه

۵	جهان پزشکی	بحث روز
۸	جهان پزشکی	انتقادی ضرور در باره بررسی آلودگیها
۱۳	دکتر ج . کاشانی زاده	انغمای کبد
۱۶	دکتر راحله رضائی	فلوئوزید و کرم خوردگی دندان
۲۰	دکتر محمد عاصمی	چسبیدگی سینه - تهیه گاهی
۲۷	دکتر پرویز میکده	روانکاوای
۳۲	" " "	معرفی کتاب
۳۴	دکتر سیروس چهارگانه	نورسنجی و هسته سنجی یاخته
۴۳	دکتر ا . هاشمیان	گتامین
۴۵	دکتر رضا اکبری	معضلات واگوتومی
۴۸	فرزین	مستوفی علیه مستوفی
۵۱	آنتون چخوف	کالبد شکافی
۵۷	دکتر احمد دانش	گرمتر از هزار خورشید
۶۱	جهان پزشکی	اخبار کانون و نامه های رسیده



بیمه بازنشستگی

همکار گرامی !

علیرغم کوششهای کانون ، تا کنون هیچگونه اقدامی از طرف دولت ایران در باره بیمه بازنشستگی پزشکان ایرانی بعمل نیامده است . ولی خوشبختانه فعالیتهای پیگیر و مستمر کانون ، برای فراهم آوردن امکانات بخاطر ایجاد بیمه بازنشستگی و از کار افتادگی پزشکان ایرانی مقیم آلمان فدرال با موفقیت همراه بود . هم اکنون بیمه گروهی عمر که نخستین مرحله در راه ایجاد بیمه بازنشستگی و از کار افتادگی است بحد نصاب خود میرسد و باین ترتیب ما میتوانیم آزاد شدن خود را از شرکت جبری در Bundesversicherung و *Ärzteversorgung* از دولت آلمان فدرال از طریق رسمی وقانونی بخواهیم چنانچه میدانید در روز ۱۷ ژوئن ۱۹۷۲ جلسه پزشکان خارجی با حضور پروفیسور وایدنر در اطاق پزشکان شهر کن تشکیل خواهد شد . در این جلسه بر اساس آمار گیری — که با پرسشنامه های ارسالی کانون ما و ماریورگر بوند انجام شده و میشود — (این پرسشنامه به پیوست این شماره نیز پخش میشود تا اگر کسانی هنوز آنها پرنکرده و نفرستاده اند اینکار را هرچه زودتر انجام دهند) تصمیم مشخصی برای احقاق حقوق پزشکان خارجی اتخاذ خواهد شد .

سپس در همین جلسه قرارداد بیمه گروهی نامبرده ، میان کانون و شرکت بیمه

KARLSRUHER LEBENSVERSICHERUNG A.-G.

امضا خواهد شد .

همکاران و دوستان ما در این جلسه که شرکت در آن برای همه آزاد است ، این امکان را دارند که در اخذ تصمیم نهائی در زمینه مواد قرارداد ، نظراتشان را اعلام دارند و ما را در این امر مهم یاری بخشند . بامید شرکت وسیعتر وستان

بحث روز

همانطور که در "بحث روز" شماره گذشته با اطلاع همکاران و دوستان عزیز رساندیم سرانجام کوششهایی که بیایمردی کانون ما در زمینه رفع تضییقات از پزشکان غیر آلمانی بعمل آمد، بنتیجه مطلوب خود نزدیک میشود. در نخستین جلسه مشترکی که باین منظور با حضور آقای دکتر اودنباخ دبیر اول "ماربورگر بوند" و دوتن دیگر از اعضای هیئت مدیره آن و شرکت سه نفر از دبیران کانون پزشکان ایرانی تشکیل گردید، مسائل مربوط باین مهم مطرح شد. این جلسه که در تاریخ هشتم ماه مارس برگزار شد بنام "جلسه بنیاد گذاری مجمع کار پزشکان غیر آلمانی" نامیده شد.

مهمترین نکته ای که در این جلسه بگفتگو گزارده شد تدارک و آماده کردن زمینه برای فعالیت بود که میبایست با یاری پروفیسور وایدنر، استاد کرسی حقوق کار دانشگاه بن، انجام گیرد.

پرستنامه تنظیم شده از سوی پروفیسور وایدنر میتواند بطور مستند موقعیت شغلی پزشکان غیر آلمانی را در این کشور منعکس سازد. کانون ما که تنها سازمان پزشکی متشکل پزشکان غیر آلمانی است در کنار "ماربورگر بوند" نقش مهمی را در بوجود آوردن این "مجمع" بعهدده داشته است.

روشن است که وظیفه ما نه تنها باین ترتیب پایان نمییابد، بلکه براستی باید گفت که تازه کار اساسی ما آغاز میشود. زیرا این برای نخستین بار است که در دوران پس از جنگ کوششهای یک گروه صنفی غیر آلمانی بصورت متبلوری شکل میگیرد.

همکاران گرامی!

کانون پزشکان و دندانپزشکان ایرانی اینک نه تنها مسئولیت حفظ حقوق و رفع تضییقات شغلی هموطنان خود را بعهدده دارد، بلکه از آنجا که تنها سازمان متشکل پزشکان غیر آلمانی است در بوجود آوردن هسته دفاعی برای

پزشکان ملیتهای دیگر نیز این وظیفه خطیر را متقبل شده است .
 در جلسه بنیاد گزاری مجمع کار تصمیم گرفته شد که از پزشکان کشورهای
 ترکیه و یوگوسلاوی نیز برای همکاری نزدیکتر و شرکت در مجمع کار دعوت
 شود . ولی واقعیت چنین است که در مراحل اولیه بارکار بردوش ما است .
 باین جهت است که کانون از یکایک همکاران عزیز میخواهد که با همه نیروی
 خود در پرکردن و ارسال پرسشنامه های نامبرده کوشش شود .
 همکاران عزیز ! بی آنکه قصد فخر فروشی در میان باشد باید پذیرفت که
 این کار ، در مرحله نخست با کوششهای مستمر کانون ما بوده است که شکل
 پذیرفته است . هم اکنون نیز همه چشمها و امیدها بماند وخته شده است .
 بکوشیم و هر یک از ما در میان آشنایان و همکاران خود ، چه در محل کار و
 چه در خارج ، هر جا که همکاری غیر آلمانی سراغ داریم ، پرسشنامه ها را
 پر کنیم و باز فرستیم .

این آمار گیری باید تا نیمه اول ماه ژوئن پایان پذیرد زیرا بنا بر تصمیم جلسه
 بنیاد گزاری ، در تاریخ ۱۷ ژوئن امسال نخستین اجتماع اطلاعاتی باین منظور
 در محل خانه پزشکان شهر ککن تشکیل خواهد شد .

دستور اجتماع اطلاعاتی نامبرده چنین است :

موقعیت و شرائط حقوقی شغلی پزشکان خارجی در آلمان

سخنران : پروفیسور وایدنر

حقوق خارجیان در جمهوری فدرال آلمان

سخنران : یک کارشناس حقوقی

مقررات شغلی پزشکان

سخنران : دکتر اودنباخ

بیمه و مقررات بازنشستگی در استانهای مختلف آلمان ، بررسی علل اقامت
 طولانی پزشکان در آلمان ، امکانات آموزشی بعدی ، ایجاد اشکالات ازسوی
 دولتهای متبوعه برای اقامت پزشکان در آلمان و پاره ای مسائل دیگر . . .

۱۷ ژوئن

همکار گرامی !

توجه کن ! هیچ فرقی نمیکنند :

- خواه تو دوران کارورزی را میگذرانی ،
 - خواه در حال گذراندن دوره تخصصی هستی ،
 - خواه بزودی بایران باز میگردی ،
 - خواه مشکلات راه بازگشت را برویت بسته اند ،
 - خواه مجبور شده‌ای چه بصورت پزشک کارمند و یا بصورت پزشک مستقل در آلمان بمانی و یا بکشور دیگری کوچ کنی ،
- در هر حال پرسشنامه پیوست را پرکن و مشکلاتت را بنویس !
- بگذار با این آمارگیری امکان یک بررسی علمی مستند و ارائه یک اظهارنظر رسمی *Rechtsgutachten* بوجود آید .

آقای پروفسور وایدنر Weidner استاد کرسی " حقوقی کار " دانشگاه مین در روز شنبه ۱۷ ژوئن در ساعت ۱۱ در محل خانه پزشکان شهر کلن

Ärztehaus, 5 Köln, Clever Straße 3
در حضور پزشکان خارجی مسائل مربوط به تضيیقات ما را مطرح خواهد کرد
این جلسه ، که کانون ما در جنب هیئت رئیسه ماریورگروند آنرا برگزار میکند در سرنوشت شغلی آینده همه ما تاثیر میگذارد .

پرسشنامه را پرکن و از دیگر دوستان ایرانی یا خارجی خود نیز بخواه که آنرا پر کنند و بفرستند .

شنبه ۱۷ ژوئن روز دفاع از حقوق صنفی توست ،
با شرکت هر چه وسیعتر در آن ، برای بهره گیری بهتر ، بکوشیم !

روانکاوی

از: لغت‌نامه فلسفی مانفرد بور
ترجمه و شرح: پرویز میکسده

در این مقاله سعی میشود، با مبانی فلسفی و روانشناسی مکتب فروید برخوردی انتقادی و تاریخی بعمل آید. این نکته از آنجهت شایان اهمیت است که در کشور عقب افتاده ما ایران — که میانی علمی خود را معمولاً بدون تحقیق و نقد، از خارجه وارد میکند — رابطه با فروید بیسم هنوز به کمک بررسی نقادانه به آن پیراستگی شایسته و عینی که درخور هر تکامل علمی و فکری است، نرسیده است.

فروید یکی از مردان بزرگ تاریخ علوم است. در شأن او همان بس که دلاور و بیباک بدنای درهم پیچ و ممنوع باطنیات بشر گام نهاد و هدفش مداوای روانهای رنجور بود. حال اگر بعنوان اولین پیشاهنگ، برای هدف درستی که داشت جایجا به بیراهه افتاد، چیزی از قدر او نیکاهد و هدف این مقاله نیز کسر شأن او نیست. هدف این مقاله، ارزیابی و جمع‌بندی نظرات درست او و پیراستن آن از لغزش‌هاییست که در سر راه هر پژوهشگری کم و بیش منتظر نشسته‌اند. چه درست گفته‌اند، فقط کسی از خطا مصون است که هیچ کاری نمیکند.

روانکاوی، بمعنی پسیکا نالیز، سه گونه تعریف اصلی دارد:

الف — یک اسلوب روان درمانی، برای علاج وسواس‌ها. وسواس خود عبارت است از، نابسامانی احساس و رفتار، بعلمت وجود مناقشه‌های روانی است.

ب — خطوره‌ای برای توضیح رفتار انسان و تکوین شخصیت.

ج — یک فرضیه اجتماعی و فرهنگی روانشناسانه، که برای خود دعوی جهانی‌بینی کلی است.

این چندگانگی معنی و تعریف، با تکامل اندیشه فروید (۱۹۳۹ - ۱۸۵۶) پایه گذار روانکاوی مطابقت میکند. بعد در پائین باین مطلب اشاره خواهد شد.

روانکاوی جزو باصطلاح مکتب‌های " ژرفه‌روانشناسی " Tiefenpsychologie بشمار میرود. زیرا روانکاوی، محرک‌های رفتار آدمی را در وادی ناخود آگاه می‌بیند. روانکاوی از این نقطه نظر سرسپر سنت فلسفی رومانیک - ایدآلیستی (نوالیس Novalis کاروس Carus شوینه‌ساور Schopenhauer) و همچنین مقید به فلسفه روانشناسی هربارت Herbart است.

فروید پندارهای خود را در مورد " جبر درون روانی " از این منابع کسب کرده بود. او که در اواخر قرن نوزدهم در شهر وین، پایتخت اتریش پزشکی بیماریهای عصبی بود، به مسئله کانیسم و سوگها توجه کرد. وی نخست با تفاق برویر Breuer (مطالعاتی درباره قشقه ۱۸۹۵) اسلوب کاتارزیس (Katharsis یعنی تطهیر. در اینجا بمعنی تطهیر روان) را وضع کرد و آنرا بعداً با تغییرات قابل توجهی بمثابه اسلوب روانکاوی توسعه بخشید.

اسلوب فوق مبنی بر این پندار است که وسواس بر روی شالوده مناقشه‌ای بر پا میشود که خود به وادی ناخود آگاه واپس زده شده و از آنجا بشکل عقده، (ملا عقده اودیپ) باعث نابسامانی کردار و واکنش میشود. عبارت دیگر وسواس شکل تخلیه و بروز عقده است.

درمان تحلیلی فروید، یعنی همان تطهیر، چنین است که از راه گفتگو، تداعی معانی آزاد، خوابگزاری و غیره، مناقشه، که اغلب در کودکی حادث شده، دوباره وارد " خود آگاه " گردد و در بیمار، سامان تازه‌ای درست شود و او بتواند از عقده مناقشه اصلی خود برآید و بر آن چیره گردد.

فروید در جریان مداوای بیمارانش به این واقعیت برخورد، که سبب‌های وسواس‌ها بطور عمده در حیاطه جنسیت یافته میشوند. این واقعیت برای دوران اویک کشف حیرت‌انگیز و بهت‌آور بود. فروید بدو چنین گمان میکرد، مسئولیت وسواس‌ها در وهله اول با پیش‌اندازی بسوی لیبیدو است (Libido اولدت جنسی یا همقیاس با جنسیت را چنین می‌نامید). حال چون از یکطرف تولید عقده بزعم او اغلب در کودکی حادث میشود و از طرف دیگر عقده‌ها اغلب خصلت جنسی دارند، او باین منطق ملزم شد، که تکوین جنسیت را در دوران کودکی بداند. اگر تمایلات اصیل " لیبیدویی " در این سن (مثلاً میل به رابطسه جنسی با محارم که بزعم او طبیعی است) بخاطر نهی‌ها و حریم‌های خارجی تحقق نیابد، مناقشه‌های حاصله از آن به وادی ناخود آگاه واپس زده میشوند و این قوه تلنبار شده لیبیدویی، میباید هر طور شده راهی به بیرون پیدا کند. این برون رفت، میتواند مخصوصاً بعد از مرحله باصطلاح کون جنسیت (یعنی دوران آغاز بلوغ جنسی و بعد از آن) بسوی هدفهای دیگر، تغییر مجرا یابد (تصدید) و یا بصورت نشانه‌های وسواس یا خود وسواس بروز کند. حال ما میدانیم که اگر چه " درون حیاطه " انسان، غالباً میتواند مناقشه‌دار بمعنی " وسواس نودی " باشد، ولی ضمناً این نیز مسلم شده که هر نوع مناقشه (نمتهها مناقشه جنسی) وقتی مزمن شود، میتواند بطور اصولی باعث وسواس گردد.

مثلاً " جاحیس کردن " بچه‌های کوچک در محیط خانوادگی متشنج، یا رفتار عصبی بالغ‌ها در مقابل تبعیضات مستمر اداری یا حقوقی و امثال آن.

بنابراین آنچه که فروید تشخیص داد، یک پدیده عام انسانی نبود. علت محدودیت دید او هم روشن است. هم فروید و هم بیمارانش متعلق به شهرگانی مرفه وین در اواخر قرن نوزده و اوایل سده بیست بودند. جامعه اتریش از بحران میگذشت و تزلزل ذهنی در طبقه‌ای که پیش از همه ضربه خور این بحران بود آشکار میگشت. طبقه‌ای که از یکطرف در کشمکش تحولات سیاسی پیش از همه زیر پایش سست بود و از طرف دیگر بعنوان علمدار اخلاقیات عصر پیش از همه اسیر ریاکاری و تزویر بود.

جامعه معاصر او همه چیز را همچو متاع و کالا، با مقیاس پول می‌سنجید و در آن عشق جنسی نیز در زناشویی

و در فحشاء، بحد يك كالای خریدنی تنزل کرده بود و ضمناً از طرف دیگر اخلاقیات رسمی، مسئله جنسیت را اصلاً برسمیت نمی شناخت. آنرا ندیده میگرفت، برده پوشی نمیکرد و مذموم میشمرد. بنابراین جنسیت و آخشیج آن، اخلاقیات ذهن طبقه مرفه را بشدت متشتت میکرد و بیماران یا همین تشتت روانی، بنزد فروید میرفتند. کارگران، دهقانان و زحمتکشان یا اشراف دربار که محتوی و ریشه مناقشات روانی شان، یقیناً جزاین بود، از عرصه دید او بگزار بودند. بهمین جهت برای فروید که پژوهشگری بیبیک و عاری از پیشداوری بود، فقط مناقشه های شهرگان ها مورد مشاهده و تجسس قرار گرفت. از طرف دیگر، محدودیت بینش شهرگانی، و خطوره اصلی فلسفی اش نگذاشتند که او ریشه های اجتماعی پدیده درك شده را ببیند و بشناسد یعنی کشف خود را تعمیم بدهد.

این دو مانع فکری او را به چنان بیراه ای کشانیدند که بالاخره مفهوم لیبیدو را از دو نقطه نظر تعمیم غلط بخشید:

۱- او طی توسعه فرضیه اش، لیبیدو و تضعید آنرا، بمثابه ریشه عام و پوینده رفتار انسانی بطور میدید. بنظر او سبب هرگونه کردار انسانی، از آفرینندگی فرهنگی و هنری گرفته تا اجتماعی یا سیی همان لیبیدو است.

او مطابق با این فرضیه باین نتیجه رسید که زندگی انسانی، در انواع تجلیات خود، یعنی جامعه فرهنگ و تمدن همه و همه در تحلیل نهائی، قوه خود را از تلاش بسوی لیبیدو و لذت طلبی کسب میکند.

در واقع فروید در اینجا یکی از وجوه حیات بالاعم و حیات انسانی بالاخص، یعنی جنسیت و نیاز به تولید مثل را بر تمام وجوه دیگر حیات برتری مطلق داده بود.

اگر در واقع چنین میبود که فروید اعتقاد داشت، میبایست مظاهر جامعه، فرهنگ و تمدن بسی بیشتر از اینها که تاریخ بما عرضه میکند، رنگ و مهب مخفی و علنی جنسیت را داشته باشد، و ما خود در عصر حاضر که توخانه صنایع مربوطه، جوامع غربی یا غرب زده را بزیر آتش جنسیت گرفته و چشم و گوش ها را يك دم از تحریکات جنسی آسوده نمی گذارد، سپری، بیزاری و روگردانی عمومی را از افراط و مطلقیت جنسیت مشاهده میکنیم. در حقیقت تشکیل میل جنسی يك حد طبیعی دارد که پس از نیل بآن هوش و حواس انسانی روی جنبه های دیگر حیات متعومرکز میگردد. حال اگر مذهب و اعتقادات یا فشار آنرا بعقب برانند، این میل در خود فشرده میشود و نیروی متقابل ایجاد میکند. یا سد را میشکند یا گریز میزند و در اینجا است که سخن فروید حقیقت پیدا میکند: "یا بصورت تضعید تغییر مجرا میدهد و یا تبدیل به وسواس میشود" والا جنسیت با تسکین متعادل، مثل هر میل زیست شناسی دیگر فاقد يك قوه خارق العاده است.

۲- فروید مناقشه ای را که میان نیازهای اساسی بدنی برای تولید مثل از یکطرف و هنجار گذاری ها یا حریم های معین اجتماعی، از طرف دیگر وجود دارد به صورت يك تضاد همه در برگیر و باصطلاح ورا طبیعی میان طبیعت انسان و جامعه انسانی تعمیم داد.

این فرضیه فروید، این سوال را پیش میاورد: چرا جامعه که خود محصول کار فکری و بدنی و محصول نیازها مشترک انسانها است خود، ناگاه بشکل يك پدیده طبیعی یا سماوی بی اعتنا و متخاصم نسبت به نیازها بشری میشود؟

برای پاسخ باین سوال، باید بینش تاریخی داشت.

هر جامعه دارای یک سیر تکاملی است. در هر مرحله از تکامل هنجارگذاری های لازمه خود را دارد که بر اساس آن روابط بین انسانها بنحو رضایتبخش تنظیم میگردد. حال وقتی یک دوره از تکامل بسر برسد و دوره جدید طلوعه بزند، دوره کهنه و فرسوده با تمام مظاهر ویژه خود با انحطاط میگراید. هنجار گذاری ها هم از این پروسه مصون نمی مانند. برخی بصورت حریم مسخ میشوند و برخی بشکل کاریکاتور خود در می آیند. مثلا هنجار مهماندوستی که در نظام فتوالی نقش فعال و برجسته ای دارد هنگام گذر به مرحله سرمایه داری تبدیل به سنت مزاحم و پردردسری میشود که انسان گاه تحت شرایط خنده آوری از زیرش شانه خالی میکند. مثال دیگر نقش زنان سالخورده در جوامع اولیه بود، که با تکیه به تجارب زیاد، مشکلات زایمانی، بهداشتی و اقتصادی خانواده را حل میکردند و در نظام فتوالی کم کم بحساب موجودات حرمی و یا جادوگر و امثال آن گذاشته شدند.

حال فریید در یک مقطع بر تحول تاریخی میزیست. در زمانی که هنجار گذاری های قدیم مسخ و مزاحم ارضا، نیازهای انسان شده بود. فریید که فاقد دید تاریخی بود، این پدیده گذرا را جز لایتجزای هر جامعه ای و در هر حال میدید و این اشتباه اویبود.

وی بعد ها *وقایع تحت تاثیر جنگ اول جهانی (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸)* آموزاک "تک غریزی" را رها کرد و در کنار لیبیدو "غریزه مرگ" را نیز بمثابة غریزه دوم با گرایش اساسی متخالف و مخرب اقامه کرد.

اگر از روانکاو بمثابة یک اسلوب روان درمانی که هسته عقلانی اش بسی قدیمتر از شکل بندی آن توسط فریید است و بمثابة عنصر به چندین شکل در روان درمانی وجود دارد، بگذریم؛ تازه می بینیم کسه روانکاو بعنوان یک خطوره جامعه شناسی و روانشناسی عمومی، بازه اشتباه اساسی دارد:

۱- او جنسیت را بعنوان یک نیروی غریزی جامع و همه در برگیر تلقی میکند.

گر چه نیازهای اساسی بدن (تولید مثل، سوخت و ساز، حفاظت از تاثیرات زیانبخش) عام ترین مبانی زندگی و کردار آدمی اند، معذک باید توجه داشت که اینها در توافق با طبیعت اجتماعی انسان، بطور عمده توسط کار اجتماعی برآورده میشوند.

یعنی فریید میبایست فقط طی تکوین فردی خود (وجود تکوین *Ontogenese*) در انطباق با هنجارگذاری های اجتماعی، رفتار و کردار لازمه را برای ارضا، این نیازها بیاموزد. مثلا آداب نامزدبازی که بسته به جوامع مختلف هنجارهای متفاوتی دارد، مقدمه ارضا، نیاز تولید مثل را می نمایاند و نظائر آن. مطلب مهمتر آنکه نخستین نیاز ارضا شده، یعنی عمل ارضا (کار) و افزار ارضا (یعنی ابزار کار) خود باعث نیازهای جدیدی میشوند. مثلا ارضا گرسنگی و تشنگی که فی نفسه با نان و آب رفع میشود، نیاز داشتن کاسه و کوزه را ایجاد میکند؛ یا نیاز حفاظت از باران نیاز به چتر را تولید میکند. این نیاز کتا ثانوی از نظر ماهوی جنبه اجتماعی دارند. یعنی یک فرد تنها دیگر خود به ساختن کاسه و کوزه و چتر و غیره نمی پردازد، بلکه اجتماع با تقسیم کار، برآوردن این حوائج را برعهده میگیرد. این نیازهای ثانوی بمرور در تکامل و جنود تکوینی *Ontogenese* و دو دمان تکوینی *Phylogenese* خود مختار میشوند و تمامی بنای نیازهای انسان را تغییر کیفی میدهند. انسانی که نیازمند خبر بود حالا نیازمند روزنامه

و رادیو و تله ویزون میشود . مردی که نیازمند ارضاء گرسنگی اش بود ، حال بعنوان نماینده بنگاه تجاری ، برای نشان دادن ستوره هایش از مغازه به مغازه ، نیازمند به اتوبیسل میشود . این مجموعه نیازمندی ها ، بستگی باینکه فرد شخصاً به چه مجرای حیاتی افتاده باشد ، یا اینکه در چه نظام ، طبقه ، قشر چه نوع اجتماعی بلند ؛ البته با هم فرق میکند (تفاوت های وجود تکوینی یا دودمان تکوینی) . بنابراین نیاز جنسی به تنهایی و یا هیچ نیاز دیگری نیست که بر انگیزه های انسانی حکمروائی میکند ، بلکه خود گزینه مجموع چند وجهی حیات است که انسان را بحرکت وامیدارد . این وجوب است که زندگی توسط کار اجتماعی برقرار بماند و روز بروز تکامل بیشتری یابد .

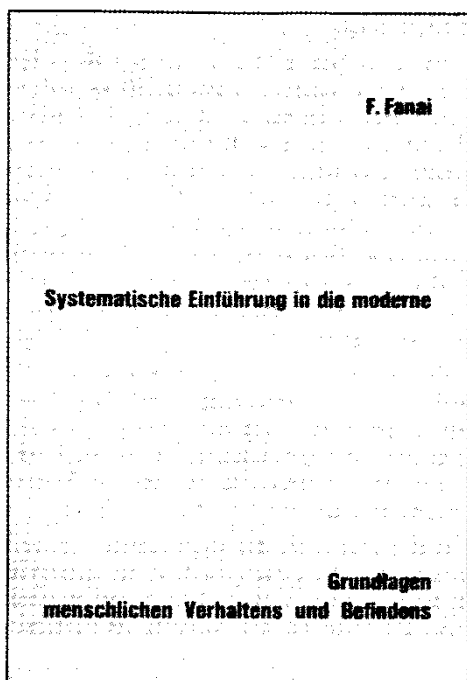
۲- فروید چنین عقیده داشت . یکطرف نیروی غریزی همه در برگیر لیبیدو و که خورختر و خود جوش است و یکطرف دیگر و در تضاد با آن ، اجتماع که پر از هنجار ها ، امرها ، نهی ها ، حریم ها و امثال آن . بعقیده فروید ، این دو قطب همواره با هم تضاد دارند و این تضاد از میان برداشتنی نیست . ولی امروز مسلم شده که این تضاد ، خصلت تاریخی محدود و خاص جامعه آخشیچمند است . آرا میتوان از میان برداشت و دیر یا زود هم از میان برداشته خواهد شد .

۳- بعقیده فروید لیبیدو همان نیروی پیشبر تکامل اجتماعی ، فرهنگی و تمدن ساز است . زیرا قسوه ذخیره در آن ، بمنظور اجتناب از تضاد ، تصعید می یابد و این تغییر مجرای لیبیدو و منجر بسه آفرینندگی های اندیشه انسانی میگردد .

واقع امر اینست که نیروی پیشبر اصلی تکامل اجتماعی ، فرهنگی و فکری انسان را باید در تولیدات اجتماعی دید یعنی در پروسه ارضاء حوائج فعلی ، که خود آن باعث ایجاد نیازهای دیگری در سطحی عالیتر میگردد .

روانکاو از اوان پیدایش خود به چندین مکتب منقسم شد . وجه تمایز آنها در وهله اول اختلاف تعریف برای چیزستکه میبایست بمثابة " نیروی غریزی " فرض شود . " نوروانکاو " که اخیراً و بطور عمده توسط K. Horney ابداع شده ، میکوشد با قبول هر نوع مناقشه ممکن و احتمال پذیر اجتماعی ، بمثابة مسبب مناقشه های روانی ، خود را از یکطرفگسی آموزاک های غریزه برهاند . معذک الگوی فکری فروید ، که فوقاً مورد انتقاد قرار گرفت بطور کسی هنوز در همه مکتب های ژرفه روانشناسی وجود دارد .

در صورت تغییر نشانی ، ما را از آخرین نشانی خود آگاه کنید .



معرفی

کتاب

از:

میکنده



” مدخل منظمی در روانکوی مدرن ”

+++++

کتاب فوق اخیرا در آلمان فدرال از زیر چاپ بدرآمده است . نگارنده آن آقای دکتر فرخ فنائی، اکنون در بالینگه عصب شناسی - روانپزشکی بیمارستان فرانکفورت - هوخست، درست دانشیاری مشغول کار و پژوهش است و رساله استادی خود را تهیه میبندد .

کتاب حاضر در ۲۳۴ صفحه با ضافه موخره ای شامل عکس و شرح حال نگارنده در چهارده فصل نوشته شده است . نگارنده قبلا خواننده را با طرز استفاده از کتاب آشنا میکند . گرچه موضوعات کاملا علمی اند ، معدلك طبقه بندی منظم مطالب و انشا وسبك روشن و مفهوم آن برای خواننده غیر پزشك و غیر روانشناس نیز درك مطالب را آسان میسازد . مضافا اینکه در پایان يك لغت - معنی علمی همراهی دانشواژه ها ترتیب داده شده است .

در حقیقت خواننده برای درك این کتاب جز علاقه به موضوع آن و همفکری با نگارنده چیزی لازم ندارد . جنبه تعلیمی کتاب بسیار قوی است . این کتاب بوضوح از مكتب فروید و تکاملات بعدی آن پیروی میکند . اگر انتقادی

بر محتوای آن وارد است همانست که بر خود فروید بسم و دنباله آن میشود. (در اینزمینه مقاله روانگویی در همین شماره دیده شود)

شاید برخی ایراد بگیرند که فنائی میبایست با انتقاداتی که بر فروید بسم میشود، طرف گردد. اما باید چارچوب کار را در نظر گرفت. فنائی صرفاً بر روانگویی فروید " مدخلی " میدهد بدون آنکه با معارضان آن بیبحث بپردازد و از سیاق کلام هم چنین برمیآید که وی خود در این مکتب سخت تعمق کرده و بدان پایبند است .

بهر حال بنظر من بسیار مناسب است کسانی که از جوانب دیگر با روانشناسی و روانگویی برخورد دارند و روان-گویی کلاسیک و اصولاً فروید بسم را از زبان معارضان آن مطرود می شمارند، این مدخل را بخوانند تا بتوان بر اساس آن وارد مباحثه شد .

بنظر من شاید بد نمی بود در بحث " لذت " که به تفاریق در کتاب پیش آمده است، نظریه محمد بن زکریای رازی هم ذکر میشود. شاید بکمک آن معضل " مرحله دهانی، مرحله مقعدی و مرحله قضیبی " فروید آسانتر حل میگردد، یا طوری به نتیجه میرسید که این چنین جای بحث باقی نمیگذاشت. با اینکسار بدانش کلاسیک ایران نیز خدمتی شده بود. اما این کمی بود در ارج کتاب خلیلی وارد نمیکند .

با وجود انتقاداتی که بر خود فروید بسم - نه بر این کتاب بعنوان شارح مقدمات آن - وارد است، خواندن آن بویژه برای دانشجویان پزشکی، روانشناسی و پزشکان بسیار لازم است و جای آن دارد که وزارت آموزش و پرورش یا دانشگاههای ایران ترجمه و پخش آنرا در کشور ما متقبل شوند .
در خاتمه ذکر این نکته خوست که فنائی ضمن گارهای جالب دیگر خود، رساله ای نیز تحت عنوان " اختلالات درس آموزی و مناقشات اقتدار میان دانشجویان ایرانی مقیم آلمان (غربی) " نوشته است که در صورت موافقت وی در جهان پزشکی ترجمه خواهد شد .

1) Dipa - Verlag , Kurt-Werner Hesse , 6 Frankfurt/Main

17. Juni: Informationstagung in Köln

Arbeitsprobleme der ausländischen Ärzte

Die Vereinigung der iranischen Ärzte und Zahnärzte in der Bundesrepublik Deutschland e.V. und der Arbeitskreis „Ausländische Ärzte“ des Marburger Bundes veranstalten am Samstag, 17. Juni 1972, 10 Uhr, im Ärztehaus Köln, Clever Straße, die schon angekündigte Informationstagung für ausländische Ärzte.

Das Hauptreferat hält Professor Dr. Viktor Weidner, Ordinarius für Arbeitsrecht und Recht der sozialen Sicherheit an der Universität Bonn, über das Thema „Die arbeitsrechtliche Situation ausländischer Ärzte in der Bundesrepublik

Deutschland“. Weitere Referate behandeln das Ausländerrecht in der Bundesrepublik Deutschland, die ärztliche Berufsordnung sowie Versicherungs- und Versorgungsfragen ausländischer Ärzte.

Wertvolle Aufschlüsse zur Beurteilung der Situation ausländischer Ärzte in der Bundesrepublik Deutschland konnten schon jetzt mit Hilfe der Fragebogenaktion des Marburger Bundes gewonnen werden.

Alle dienstlich abkömmlichen ausländischen Ärzte sind zur Teilnahme an der Informationstagung herzlich eingeladen.

کالبدشکافی



میخواهم دلستگی گرم و خالصانه
خودم را ، که از آغاز جوانی بیدریغ
در دل پرورانده‌ام ، برایتان بازگویم .
میخواهم استعداد معجزآسایان
را ، که گاه اندوهیاری بروج چنگ
میاندازد و گاه لطیف و طنزآمیز
ولی همواره زیبا و ظریف است بستار
چه دقایق عالی بشمار با کتاب
هایتان گردانیده‌ام ، چه بارها
بر آنان اشک ریخته‌ام ، چه بسا
چون گرگ بدام افتاده‌ای خشمگین
شده‌ام و چه بسیار زمانی درازبا
همه اندوه باز خندیده‌ام

نوشته : آنتون چخوف

ترجمه : ن . سرشار
ارمغان برای پرویز

ماکسیم گورکسی
درنامه‌ای به چخوف

د ادرس گرشوتکین ، مرد سالمندی که پیش از اصلاح دادگستری بخدمت دولت درآمده بود ، باتفاق دکتر
سقمویسکی ، پزشک قانونی ، برای يك کالبدشکافی میرفتند . پائیز بود و راه آنان از میان کشتزاری میگذشت .
تاریکی وحشت آوری حکمفرما بود و باران جانانه‌ای شلاقش میبارید .

د ادرس قرقرکان گفت : " همش بدجنس و موزیگریس ، از تمدن و انسانیت خبری نیست ، حتی آب و
هوای حسابی هم وجود نداره . . اینم شد مملکت . . وقتی آدم فکر میکنه که تازه ما جزو اروپام حساب
میشیم عجب بارونیه عجب بارونیه !! مردیکه حامل مثل اینکه درشکه روساعتی اجاره داده
تندتر برون دیکه حامل بدبخت اگه نمیری بزنم دک و دندونتو خورد کم . . " و باین ترتیب درشکه چی
را زیر باد ناسزا گرفت .

دکتر در حالیکه خودش را میان پالتوی پوست مرطوب می پیچاند آهی کشید و گفت : " خیلی عجیبه آلکسیچ

من اصلاً هوا حالیم نیست. منو به احساس گگو خفه داره عذاب میده. . . مثل اینکه هر لحظه با یه فاجعه روبرو میشم. . . خواهی دید. . . بالاخره هم به اتفاق بدی پیش میاد. . . یا مرض واگیرداری. . . یا مرگ عزیزی. . . یه همچی چیزی. . . مته اینکه بمن الهام شده باشه. . ."

— شما دیگه افلا جلوی این سورچی خجالت بکشین. . . از الهام و اینجور مزخرفات حرف نزنین. . . جها که مته پیره زنا. . . بارون باین تنددی دیگه چی ازین بدتر میشه رخ بده. . . میدونین چیه واسیلیچ من که دیگه قدرت تحمل بیشتر ازین ندارم. اگه منو بکشین دیگه نمیتونم. باید هر طور شده اطراق کنیم و شب رویه جایی بمونیم. کی این نزدیکیها هس؟"

سورچی گفت: "ایوان ایوانویچ یشو! پشت همین جنگل خونه. فقط از همین پل که ردشیم میرسیم" — آها! یشو! ایلا برون بطرف خونس. مدتی هم هس که ازین بدجنس خبری ندارم.

آنان از جنگل گشتند و از روی پل رد شدند. نخست بسوی چپ و سپس بسمت راست پیچیدند و سرانجام بجلوخوان منزل رئیس دیوان صلح، سرگرد بازنشسته یشو رسیدند.

گریشوتکین در موقعیکه از درشکه پیاده میشد نگاهی به پنجره های روشن خانه کرد و گفت: "خیلی عالی شد حالا حساسی میخوریم و مینوشیم و میخوابیم. . . با اینکه آدم بد ذاتیس ولی مهمون نوازه. . . این یکی دیگه روش حرفی نیست"

در راهرو خود یشو پیرمرد کوتاه قامت و درهم فشرده ای با چهره ای که بشکل گنده خار داری درآمده بود از آنان استقبال کرد.

— "به به!! چه وقت خوبی! آقایان خوش آمدید! تازه سر میز شام نشستیم. گوشت حساسی هم داریم. . . الانهم که هوا سی و سه درجس. دادستان هم اینجاس. من ازش خیلی ممنونم که آمده مرا با خودش بیره. . . چونکه فردا ما جلسه داریم. . . الانهم که هوا سی و سه درجس. . ."

گریشوتکین و ستسویسکی وارد سالون شدند. میز بزرگی وسط سالون بود که روی آن انواع پیش غذائی و شیشه های مشروب دیده میشد. سر میز دختر صاحبخانه، نداشتا ایوانوفنا، خانم جوان موخرمائی نشسته بود که بعلت مرگ تازه شوهرش سیاهیوش بود. در کنار او دادستان تولپانسکی قرار گرفته بود که ته ریشی داشت و صورتش پر از رگهای آبی رنگ بود.

یشو پرسید: "همدیگرا که میشناسید؟" و شروع کرد با انگشت نشان دادن: "ایشان آقای دادستان. . . آنهم دختر من. . ."

زن موخرمائی لیخندی زد و چشمک زنان به تازه واردان دست داد.

یشو سه گیلایس پر از عرق کرد و گفت: "خوب! خیلی خیلی خوش آمدید آقایان. . . مردان حق. . . خجالت نکشید. منم بعنوان همراهی با شما مینوشم. . . الانهم که هوا سی و سه درجس. . . بریم بالا بسلامتی خودمان!"

هر سه نوشیدند. گریشوتکین اول خیاری خورد و بعد سراغ گوشت خوک رفت. دکتر هم میخورد و مینوشید تولپانسکی نیز پس از آنکه از خانم جوان اجازه خواست سیگاری آتش زد و چنان نیش از بنا گوش باز کرد که گوشتی صد دندان در دهان دارد.

— "خوب آقایان! گیلایسها دیگرا انتظار خسته شدن! اینطور نیست؟. . . آقای دادستان! آقای دکتر بسلامتی طبابت! من پزشکی رودست دارم. اصلاً جوانی رودست دارم. الانهم که سی و سه درجس. . . شما هرچی دلتون میخواد بگید این جوانان هستن که پیش مین. . . خوب اینم بسلامتی اینکه همه مون سالم بمونیم."

صحبت گرم شد. همه حرف میزدند. جز دادستان تولپانسکی که ساکت نشسته بود و دود سیگار را از منخرین

بیرون میدمید . ظاهرا چنین مینمود که او خودش را از اشراف مینداخت . وبه پزشك و دادرس بیاعتنا بود پس از شام ، یشو وگرتشکین و دادستان نشستند و بیبازی مشغول شدند . دکترو نادشنا ایوانوفنا هم پهلوی هم نشستند و گرم صحبت شدند .

بیوه جوان گهت : " خوب شما برای کالبد شکافی میروین ؟ به نعنرا تشریح کردن واقعا که چه قدرت اراده ای میخواد ؟ چه کاراکتر فولادی آدم باید داشته باشه که چاقو رو برداره و بی آنکه خم بباروش بیاره و مژه بزنه تا دسته توتن آدمیزادی که دیگه روح در بدن نداره فروگه . . . من برا پزشکا خیلی احترام قائلم . . بنظر من اونا انسانهای خاصو و مقدسی هستن " و سپس پرسید :

" دکترو شما چرا انقدر غمگین هستین ؟ "

" من دلم شور میزنه . به چیز موهوم ویه احساس مبهمی رنجم میده . مثل اینکه بزودی با از دست دادن عزیزی روبرو میشم . "

" دکترو شما از دواج کردین ؟ شما خانواده دارین ؟ "

" بقدرت خدا من هیچکسو ندارم ! تك و تنها ! حتی يك آشنا هم ندارم ! خانم عزیز شما بالهام اعتقاد دارین ؟ "

" بله . من بالهام اعتقاد دارم . "

در حالیکه دکترو زن بیوه در باره الهام حرف میزدند ، یشو و دادرس بی دربی از سرمیز و رقیازی بر میخاستند و بطرف میز خوراک میرفتند . در حدود ساعت دو ، یشو که خیلی باخته بود ناگهان بیاد جلسه ای که فردا قرار بود تشکیل شود افتاد و محکم با دست به پیشانی خود کوفت :

" لا اله الا اله ! ما چیکار میکنیم ؟ واقعا که عجب مردم هجوی هستیم ! واقعا عجب مردم هجوی ؟ فردا صبح سر طلوع آفتاب باید حرکت کنیم و هنوز همینطور نشستیم بازی میکنیم ! بریم بخوابیم ! — بریم بخوابیم ! الانهم که سی و سه درجس ، نادشنا یا لا برو تو تخت . من ختم جلسو رو اعلام میکنم ! " وقتیکه نادشنا ایوانوفنا از دکترو خدا حافظی میکرد گهت :

" چه آدم خوشبختی هستین که در چنین شب میتنین بخوابین . منکه وقتی بارون روی شیشه پنجره اطاقم ضرب میگیره محاله میتونم بخوابم . من الان میرم با یه کتاب خودمو مشغول میکنم . اصلا حال خوابیدن ندارم تا وقتیکه توی آن راهروی باریکه جنوی پنجره اطاق من چراغ روشنه یعنی من نخوابیدم و بیحوصلگی مثل خوره بچونم افتاده "

پزشك وگرتشوتکین در اطاقی که برایشان تعیین شده بود ، دو تخت خواب سنگین یافتند که با تخته فترهای محکمی مجهز بود . پزشك لباسش را بیرون آورد و دراز کشید و لحاف را روی سر خود کشید . دادرس هم لباس خود را در آورد و دراز کشید و مدت زیادی همینطور میغلطید . پس از مدتی از بستر برخاست و از این گوشه بآن گوشه اطاق قدم میزد . او که بطور کلی آدم ناراحتی بود گهت :

" من مرتبا باین زن جوون بیوه فکر میکنم . چه تیکه مامانی ! جونمو براش میدم ! چه چشمانی چه شونه هائی ! اون پاها تو اون جوراب بنفش ! بد مصب زن نیس که یه پارچه آتیشه ! چه زنی ! وای وای که آدم میبینه این با این خوشگلگی نصیب کی میشه ! این عدلیه چی ! قسمت این دادستان احق دراز میشه که قیافش مثل انگلیساس . واله که من تحمل این عدلیه چیا رو نمیتونم بکنم . وقتیکه تو اون در باره الهامو اینجور چیزا داشتن حرف میزدین داشت از حسادت میترکید . آدم چی بگه ! واقعا که تیکه عالیس ، جدا عالیس ! بد مصب معجزه خلقتسه "

پزشك سرش را از زیر لحاف بیرون آورد و گهت :

" چیز با ارزشیسی ! شخصیتش رو آدم تاثیر میداره ! با آن طرافت احساس و درعین حال آن فهم مخصوص

— " این حق مسلم هر انسانیه که وظیفه داره از به زن نجیب دفاع کنه ! الکسیچ بخودتون بیائین و ببینین چیکار دارین میکنین ؟ شما به مرد جا افتاده و مسنی هستین ! شما ناسلامتی شصتوهفت سال از عمرتون میگذره ! "

گریشوتکین در حالیکه سخت ناراحت شده بود گفت : " من مسن و جا افتادم ؟ کدوم احمقی بتو گفته من پیرم ؟ "

— " آقای سرگیچ شما الان مست و عصبانی هستین ، این هیچ خوب نیس ! فراموش نکنین که شما به انسان هستین نه حیوان ! به حیوان فقط دنبال روی غرایزه ، اما شما جزو اشرف مخلوقاتین سرگیچ ! "

رنگ اشرف مخلوقات مانند لبو سرخ شد و دستهایش را بدرون جیبهایش کرد و گفت :
— " برا آخرین بار میپرسم : میداری ردشم یا نه ؟ "

و ناگهان بمانند آنکه کسی در بیابان بخواد یکفر را از دور صدا کند نعره کشید :
— " الـــــد نـــــگ ! "

و سپس مثل اینکه خودش نیز از صدای نعره خود بکه خورده باشد از جلوی در بطرف پنجره رفت و با آنکه مست بود از این فریاد عجیب خود — که محتملا همه اهل خانه را از خواب بیدار کرده بود — شرمگین شد . پس از چند لحظه سکوت پزشک بطرف او نزدیک شد و دست بر شانه او گذارد . آنگاه در حالیکه چشمانش نمناک شده و گونه هایش گداخته شده بودند با صدای آرامی گفت :

— " سرگیچ پس از این حرفهای تند و پسا از اینکه دور از شرم و حیا مرا الدنگ خطاب کردی دیگه حتما با من هم عقیده ای که ما باهم زیر به سقف نمیتونیم بمونیم . شما بمن بشدت توهین کردین ! فرض کنیم که من گاهکار بودم . . . اصلا چرا من گاهکار باشم ؟ این خانم زن نجیبه و عقیفه ایس و شما بخودتون اجازه میدین که این جور حرفارو بزنین . . . معذرت میخوام ما دیگه نمیتونیم رفیقو همکار بمونیم ! "

— " بسیار خوب کوتاش کن ! ما همچی رفیقو همکاری رو نخواسیم ! "

— " من از همین لحظه بر میگردم چونکه بیش ازین نمیتونما شما همراه باشم ! امید وارم که دیگه بعد از اینم همدیگرو نبینیم ! "

— " با چیچی میخوای حالا بیری ؟ "

— " با درشکه خودم ! "

— " اونوقت بنده با چیچی برم ؟ هیچ فکرشو کردین ؟ حالا میخوای دیگه بیغیرتی رو بخونه آخسرش برسونی ! شما مارو با اسباتون آوردین اینجا خود شما باید مارو از اینجا برگردونین ! "

— " اگه میخواین که من شمارو برگردونم همین الان ، برای اینکه من انقدر ناراحتم که به لحظه هم نمیتونم اینجا بمونم ! "

سپس در کمال سکوت ، گریشوتکین و ستسویسکی لباسهایشان را پوشیدند و بیرون رفتند . آنان سورچی را بیدار کردند و پس از اندکی دزشکه بحرکت درآمد .

دادرست تمام راه را زیر لب میفرید : " تو که نمیدونی با این زنای نجیب چیکار باید کرد خوب خونت بمون و پاتو توی خونه های دیگه که زن وجود داره نگدار "

این تکه که او بخودش ناسزا میگفت و یا بیزشک با آسانی قابل تشخیص نبود . تا اینکه درشکه جلوی خانه او نگاه داشت . هنگامیکه او بیائین جست و بدرون خانه رفت گفت :

— " دیگه نمیخوام که آشنائیم با شما بیش ازین ادامه داشته باشه ! "

سه روز گذشت و در تمام این مدت ، پزشک پس از آنکه ویزیتش تمام میشد در خانه میماند و روی کاناپه

دراز میکشید و از بیحوصلگی به "تقوم اطبا" - که نام پزشکان مسکو پترزبورگ در آن نوشته شده بود و دریافت و سعی میکرد نامهای خوش طنین و پر طمطراق را جدا کند. قلب او کاملاً آرام و آسوده بود، همانند آسمانی صاف که در زمینه آبی رنگ آن یک پرنده بدون بال زدن بخرامد. این احساس آرامش بخصوص از آنجا بود که شب گذشته در خواب رویائی از آتش دیده بود که آنرا به خوشبختی تعبیر میکرد.

ناکهان صدای سوزنده‌ای (در اینفاصله برف باریده بود) که جلوی خانه ایستاد شنیده شد و در آستانه در گیشوتکین دادرس ظاهر شد. این میهمان ناخوانده‌ای بود. پزشک از جا برخاست و با آشفتگی و کمی وحشت باو نگاه میکرد. گیشوتکین سرفه ماندی کرد و در حالیکه سرش را بزیر انداخته بود بطرف کانایه رفت.

- "من آمده‌ام از شما معذرت بخواهم و اسیلویچ. من در برابر شما رفتار بسیار غیر دوستانه‌ای داشتم و پیداست که حرفی زشت زده‌ام. شما قطعاً حالت غیر طبیعی آن لحظه مرا بخاطر دارید که ناشی از مشروباتی بود که ما در خانه آن الدنگ پیر نوشیده بودیم. شما حتماً خواهید بخشید -"

پزشک از جا حست و با چشمانی پراز اشک دستهای او را که بطرفش دراز شده بود فنرد:

- "آخ این حرفا چیه خواهش میکنم... مارا جای بیار..."

- "نه نه! لازم نیست، وقت نداریم، اگه ممکنه بیگین جای جای عرق بیارن! بعد هم باید برا کالبد شکافی بریم!"

- "چه کالبد شکافی؟"

- "کالبد شکافی همون درجه داره همون که قرار بود تشریحش کنیم و بعدش مانتونستیم کارشو بکنیم!"

گیشوتکین و سستیوسکی عرق خود را نوشیدند و برای کالبد شکافی عازم شدند. در بین راه دادرس گفت:

- "طبیعیست که من معذرتخواهی کردم. من آنموقع کمی تند روی کردم. ولی میدونین من ازین ناراحت شدم که شما چرا گلاری قمرساقی رو سر این دادستان الدنگ نگذاشتین."

و تئیکه نرسیده آنان از آلیمونو میگذاشت، دیدند که کالسه سه اسبه یشو جلوی میخانه ایستاده. گیشوتکین گفت:

- "یشو اینجاس! این اسبای اون! یه سری برزیم و دیداری تازه کنیم! اما فقط آب معدنی میخوریم و یه کمی این دختر گارسونو روتاشا میکنیم. اینجا یه دخترهای هس! چه زنی! چه لعبتی! معجزه طبیعت!"

مسافران پیاده شدند و بدزون میخانه رفتند. یشو و تولپانسکی نشسته بودند. و جای مینوشیدند.

- "ما که عازم همون کالبد شکافی کدائی هستیم که کلکش کنده همیشه و مثل اینکه طلسم شده، شماها عازم کجائین؟"

- "ما هم جلسه داریم!"

- "چه خبره بابا پشت سر هم جلسه! شماها که پریروز رفته بودین!"

- "نه بابا جریان عقب افتاد! دادستان دند و ندرد گرفت ضم حال چندون خوب نبود... خوب چیچی مینوشین؟"

بشینین بینم! الانهم که سی و سه درجس... ودگا یا آججو؟ دختر خانم مامانی برواز هر دوش بیار!

واخ که چه دختری؟

دادرس در تایید این جمله گفت: "ازون گارسون مامانیهاس!! ازون عالییهاس! چه زنی! چه تیکه‌ای؟"

دوساعت بعد سورجی پزشک بیرون آمد و به کالسه چی یشو گفت که اسبهارا باز کند و کمی بگرداند و در

حالیکه از حرکات دستش کمک میگرفت ادامه داد:

- "اربا! امر کردن... فعلاً اونا نشستن سر ورق بازی... زودتر از فردا صبح که ما حرکت نمیکیم..."

خیالت تخت راحت باشه... بهبه!! حالام که دیگه قاضی بخشم اومد یعنی اینا تا یسفر دا همینجا نشسن -"

قاضی بخش جلوی در میخانه کالسه‌اش را نگهداشت و وقتی که اسبهای یشورا شناخت، لبخندی زد و

از پله‌ها بالا رفت....

گرمتر از هزار خورشید

XX

جمع آوری دکتر احمد دانش

(انقلاب علمی و فنی دوران ما شاهراههای وسیع در)
(مقابل پیشرفت انسان بسوی آینده‌ای پرنعمت و)
(درخشان گشوده است . پاره‌ای بدبینان آینده انسان)
(را سیاه می‌بینند و دلیل بد بینی خود را در -)
(پیشرفت سریع علم و فن می‌جویند . آنها از درك)
(رابطه بین تکامل علم و فن و شرایط و چگونگی)
(مناسبات اجتماع که پیشرفت علم و فن درچارچوب)
(آن میگذرد عاجزند و یا بآن توجه ندارند .)
(واقعیت این است که : بدون فعالیت خلاق انسان امکان)
(پیشرفت علم و فن موجود نیست و دستاوردهای علم)
(که نتیجه فعالیت خلاق انسان اند ، بالذاته نه)

(پسند اند و نه نعمت . خوبی یا بدی ، نافع یا)
 (مضربودن آنها تنها تابع شرایط و مناسبات)
 (اجتماعی حاکم است . همان‌طوریکه استفاده از)
 (نیروی اتم - اگر بطور صلح آمیز از آن استفاده)
 (شود نعمتی است پر قدر و اگر بصورت سلاح‌های اتمی)
 (بکار افتد بلائی است پر نالت .)

در شماره های گذشته جهان پزشکی در باره پاره‌ای خواص ماده و ضدماده و تئوریهای مربوط به آن ، چند بار گزارش دادیم . در این مقاله به امکانات پرشگفت استفاده از ضدماده اشاره میکنیم.

میدانیم که در فعل و افعال هسته ای ، مثلا هنگام انفجار بمب هیدروژنی ، چه انرژی هیولائی آزاد میشود . باید توجه داشت که در این پروسه فقط مقدار ناچیز از ماده‌ای که در این فعل و انفعال شرکت دارد به گرما ، نور و اشعه غیر قابل رویت تبدیل میشود .
 اصول پروسه انفجار هسته‌ای را بطور فهرست وار از نظر بگدرانیم : در فعل و انفعال هسته‌ای دوهسته اتم هیدروژن ، هنگام تصادم بیگدیگر ، به هسته هلیوم تبدیل میشوند و فقط مقداری معین از جرم خود را از دست میدهند . این مقدار جرم ماده در واقع نابود نمیشود بلکه بانرژی - تبدیل میگردد . گواینه کم شدن جرم دوهسته اتم بسیار ناچیز است ولی باتوجه باینکه تعداد - زیادی از هسته های اتم هیدروژن در این عمل شرکت دارند ، نتیجه آن بسیار زیاد است .
 انرژی بدست آمده از این فعل و انفعال میتواند آثار تمدن و فرهنگ چندین صد و چندین هزار ساله پرجمعیت ترین نقاط روی زمین را نابود کند و حیات انسان و سایر جانداران را دچار مخاطره جدی سازد و هم میتواند مصرف انرژی پرجمعیت ترین نقاط دنیا را برآورده سازد .

حال که فقط تبدیل بخشی ناچیز از جرم ماده به انرژی ، باعث آزاد شدن چنین نیروی - میشود ، به بینیم اگر همه جرم هسته اتم بسوزد و تبدیل بانرژی شود چه نیروی بدست خواهد آمد ؟ و آیا چنین عملی یعنی سوختن همه جرم هسته اتم (تبدیل تمام جرم بانرژی) امکان پذیر است ؟

باین سؤال باید جواب مثبت داد . زیرا اگر یک ذره و یک ضد ذره باهم برخورد کنند ، در - پروسه‌ای بنام "آنی هیلاسیون" (۱) نابود میشوند . یا بعبارت دیگر میسوزند و همه جرم آنها به انرژی تبدیل میشود .

معروف ترین اجزاء چنین ذرات متضاد که فقط در فاصله معینی از بیگدیگر میتوانند موجود باشند عبارتند از " الکترون" با بار الکتریکی منفی و " پوزیترون" با بار الکتریکی مثبت .
 این دو ذره اتمی بمجرد برخورد بیگدیگر آنا نابود میشوند و تمام جرم آنها بانرژی تبدیل میشود . تنها وجه تمایز این دو ذره همان بار الکتریکی آنهاست و بجز این دارای خواص فیزیکی و شیمیائی کاملا مشترک اند و هیچ اختلاف دیگری باهم ندارند .
 موجودیت "پوزیترون" ابتدا از راه تئوری پیش بینی شد و بعدها در اشعه کیهانی اثبات -

رسید .

در روزی زمین ما ضدماده موجود نیست ولی میتوان آنرا در دستگاههای عظیم شتاب دهنده ذرات عنصری تولید کرد .

دانشمندان امریکائی توانستند با استفاده از دستگاههای شتاب دهنده ذرات عنصری ، " آنتی دوتریوم " (۲) یعنی ضد هسته هیدروژن سنگین را که " دوتریوم " نام دارد تهیه کنند . در سال ۱۹۷۱ دانشمندان شوروی موفق به تهیه ضد هلیوم شدند . ضد هلیوم بغرنجترین اتم ضد ماده است که تا کنون تولید شده است .

با وجودیکه مقدار ضد هلیوم بسیار ناچیز بود (فقط چند هسته اتم) موجودیت آنها با دستگاههای اندازه گیری بسیار دقیق ثبت شد . بدون شك مقدار ضدماده که تا کنون تهیه شده است هنوز فقط ارزش تئوری دارد و نمیتواند در عمل مورد استفاده قرار گیرد ولی هنوز نمیتوان ارزش عملی آنرا دقیقاً تخمین زد . زیرا صفحات اول تاریخ پژوهش در باره اتم هم که امروز مورد استفاده - فراوان قرار گرفته است و انسان به انرژی موجود در آن مسلط است ، با چنین نتایج بسیار ناچیز نوشته شده است و هنوز صفحات بیشماری بر این تاریخ نوشته خواهد شد .

ما هم اکنون در شناسائی و استفاده از ضدماده با قدمهای جدید اولیه در اعماق جهان ذرات و رموز کیهان سر و کار داریم . بی بردن بموجودیت ضد ماده و تهیه آن در آزمایشگاه دارای چه ارزشهای عملی اند ؟ امروز فقط میتوانیم از دورنماهای دوردست صحبت کنیم - زیرا از نقطه تهیه ضد ماده در آزمایشگاه تا رسیدن بمرحله تولید صنعتی و استفاده از آن در تکنیک - مدرن ، راه دور و درازی در پیش است . برای بیمودن این راه اول باید دومی مسئله را حل کرد :

۱- باید بتوان باندازه کافی ضدماده تهیه کرد و

۲- باید امکانات نگاهداری آنرا یافت . این خود مسئله ایست بسیار بغرنج زیرا برخورد ضدماده با ماده جهان ما باعث نابودی آنی هم ماده و هم ضدماده میشود .

اگر روزی قادر شویم که پروسه برخورد ماده و ضدماده را طوری هدایت و تنظیم کنیم که خطر - انفجار آنی از بین برود و " آنتی هیلاسیون " طبق نقشه ما انجام گیرد ، انرژیهای بدست خواهیم آورد که مقدار آن ملیونها بار عظیم تر از نیروی بهترین مواد سوخت موشکهای امروزی و هزاران - بار بزرگتر از قدرت آن فعل و انفعالات اتمی است که ما امروز از آنها برای تهیه انرژی استفاده میکنیم .

ما هنوز قادر نیستیم " فوزیون " (۳) هسته (۴) را تحت کنترل درآوریم . این پروسه هنوز بصورت انفجار انجام میگردد . میدانیم که خورشید يك " راکتور " (۵) عظیم اتمی است و دانشمندان معتقدند که دیر یا زود با تنظیم و رهبری پروسه فوزیون هسته ، يك چنسیین

خورشیدی در روی زمین خواهد درخشید . و امروز پس از آزمایشهای موفقیت آمیز اولیه درباره پروسه آبی هیلاسیون ماده و ضد ماده این اعتقاد شکل میگیرد که روزی در روی زمین دارای يك منبع - انرژی گرمتر از هزار خورشید باشیم .

اگر انسان بتواند کلید این منبع بی کران انرژی را بیابد و در تحت شرایط اجتماعی مناسب آنرا در خدمت انسان و ضرورتهای زندگی قرار دهد ، مسائل مربوط ب موجودیت انسان و تامین آینده او حل خواهد شد . زیرا حل مسائلی مانند ازدیاد جمعیت و یا باصطلاح معروف - انفجار جمعیت در مرحله نهائی مشروط باین است که انسان تا چه حد قادر خواهد بود از انرژیهای نهفته در طبیعت استفاده کند . باید اقرار کرد که امکانات انسان برای رسوخ در اعماق طبیعت و استفاده از انرژی موجود در آن نامحدود است .

کلید حل مسائلی چون ازدیاد جمعیت و بالا رفتن سطح زندگی و توقعات انسان تنها در دست علم و فن نیست . این مسائل راه حل های اجتماعی خود را میطلبند .

علم و فن جدید امکانات وسیع حل مسائل مربوط به تامین زندگی و رفاه انسان را در اختیار ما میگذارند و همانطوریکه یاد کردیم این امکانات نامحدود است . ولی پیشرفت علم و فن به تنهایی کافی نیست و باید راه حل های اجتماعی مناسب با تکامل علم و فن را یافت . زیرا درغیراین صورت پیشرفت علم و فن بجای نعمت بودن بلای جان انسان خواهد شد .

* * * * *

(۱) Annihilation

(۲) Antidentrism

(۳) Fusion

تصادم دوهسته‌اتم و بوجود آمدن هسته جدید مانند تصادم

(۴)

دوهسته هیدروژن و بوجود آمدن هسته هلیوم .

(۵) Reaktor

انجمن علمی دبیران ایوانه فوج از کشور هسته‌های بیورد حجب
سگت تخصیصی جوگری میکند .

کانون پزشکان و دندان پزشکان ایرانی فارغ التحصیل از دانشگاههای آلمان

زمین لرزه در ایران

چنانچه میدانید کشورما ایران در روز دهم آوریل امسال با پیشامد ناگواری روبرو شد . بخش بزرگی از جنوب کشور طی چند روز آماج تکانه های شدید زمین لرزه ای مداوم بود که بمرگ و بیخانمانی چندین ده هزار تن از هممیهنان ما انجامید .

هیئت مدیره کانون بلا فاصله در همانروز ۱۰ آوریل بطور فوق العاده جلسه ای تشکیل داد و کوشید با بسیج وسیع دارو و پزشکی کمک هموطنان رنج دیده خود بشتابد . همانشب تلگراف زیر بشیر و خورشید سرخ مخابره گردید :

سازمان شیرو خورشید سرخ ایران - تهران
با کمال تأسف از فاجعه زلزله منطقه فارس اطلاع یافتیم . کانون ما آمادگی کامل خود را برای هرگونه کمک اعلام میدارد . تلگرافا اطلاع دهید چند تن پزشک میتوانند باین منظور بایران حرکت کنند .

کانون پزشکان و دندانپزشکان ایرانی فارغ التحصیل از آلمان
همچنین روز بعد طی نامه زیر این آمادگی بصورت مبسوط تری با اطلاع مقامات مسئول سازمان رسانیده شد :

کانون پزشکان و دندان پزشکان ایرانی فارغ التحصیل از دانشگاههای آلمان

VEREINIGUNG DER IRANISCHEN ÄRZTE UND ZAHNÄRZTE
in der Bundesrepublik Deutschland e.V.

4 DÜSSELDORF
Postfach 2307
W.-GERMANY
Postscheck - Konto Köln 105636

نشانی پستی :
دوسلدورف - آلمان غربی
مندوق پستی شماره ۲۳۰۷

تاریخ ۲۰ فوروردینماه ۱۳۵۱

جناب آقای دکتر خطیبی ، ریاست محترم شیرو خورشید سرخ ایران

با کمال تأسف از فاجعه زمین لرزه منطقه فارس اطلاع یافتیم . پیرو تلگراف مخابره شده ، کانون پزشکان و دندانپزشکان ایرانی فارغ التحصیل از دانشگاههای آلمان و اتریش ، با ابراز تأسف و همدردی با قاطبه ملت ایران ، آمادگی کامل خود را برای هرگونه کمک اعلام میدارد . پزشکان ایرانی ، آماده اند با حضور و شرکت فعالانه خود در درمان آسیب دیدگان ، شیرو خورشید سرخ ایران را یاری کنند . همچنین مقدار قابل توجهی دارو برای ارسال بمنطقه زلزله زده موجود است . خواهشمند است هرچه زودتر ما را مطلع سازید که چند نفر پزشک باین منظور میتوانند عازم ایران گردند .

با کمال احترام

کانون پزشکان و دندانپزشکان ایرانی
فارغ التحصیل از دانشگاههای آلمان

درگذرگاهی چنین باریک
در شبی اینگونه دل افسرده و تاریک
کز هزاران غنچه لب بسته امید
جز گل یخ ، هیچ گل در بر فودر سرما نمیروید
من چه گویم تا پذیرای کسان گردد
من چه گویم تا پسند ببلان گردد

*

من در این سرمای یخبندان چه گویم بادل سردت
من چه گویم ای زمستان بانگاه قهر پروردت
با قیام سبزه ها از خاک
با طلوع چشمه ها از سنگ
با سلام دلپذیر صبح
با گریز ابر خشم آهنگ
سینه ام را باز خواهم کرد
همره بال پرستوها
عطر پنهان مانده اندیشه هایم را
باز در پرواز خواهم کرد

*

گر بهار آید
گر بهار آرزو روزی بیار آید
این زمینهای سراسر لوت
باغ خواهد شد
سینه این تپه های سنگ
از لیب لاله ها پرداغ خواهد شد

*

آه اکنون دست من خالیست
بر فراز سینه ام جز بوته های از گل یخ نیست
گر نشانی از گل افشان بهاران باز میخواهید
دور از لبخند گرم چشمه خورشید
من باین نازک نهال زردگونه باشدم امید
هست گلپهائی در این گلشن که از سرما نمی میرد
و ندرین افسرده شب هرگز
عطر صحرا گسترش را از مشام ما نمیگیرد .

سیاوش کسرائی

آرزوی بهار

اخبار — کانون پزشکان و دندان پزشکان ایرانی فارغ التحصیل از دانشگاههای آلمان —

زمین لرزه در ایران

چنانچه میدانید کشور ما ایران در روز دهم آوریل امسال با پیشامد ناگواری روبرو شد. بخش بزرگی از جنوب کشور طی چند روز آماج تکانههای شدید زمین لرزه ای مداوم بود که بمرگ و بیخانمانی چندین دههزار تن از هممیهنان ما انجامید.

هیئت مدیره کانون بلا فاصله در همانروز ۱۰ آوریل بطور فوق العاده جلسه ای تشکیل داد و کوشید با بسیج وسیع دارو و پزشک بکمک هموطنان رنج دیده خود بشتابد. همانشب تلگراف زیر بشیر و خورشید سرخ مخابره گردید:

سازمان شیرو خورشید سرخ ایران — تهران
با کمال تأسف از فاجعه زلزله منطقه فارس اطلاع یافتیم. کانون ما آمادگی کامل خود را برای هرگونه کمک اعلام میدارد. تلگرافا اطلاع دهید چند تن پزشک میتوانند باین منظور بایران حرکت کنند.

کانون پزشکان و دندانپزشکان ایرانی فارغ التحصیل از آلمان
همچنین روز بعد طی نامه زیر این آمادگی بصورت مبسوط تری با اطلاع مقامات مسئول سازمان رسانیده شد:

کانون پزشکان و دندان پزشکان ایرانی فارغ التحصیل از دانشگاههای آلمان

VEREINIGUNG DER IRANISCHEN ÄRZTE UND ZAHNÄRZTE
in der Bundesrepublik Deutschland e.V.

4 DÜSSELDORF
Postfach 2307
W.-GERMANY
Postscheck - Konto Köln 105636

نشانی پستی:
دوسلدورف — آلمان غربی
صندوق پستی شماره ۲۳۰۷

تاریخ: ۲۰ فروردین ماه ۱۳۵۱

جناب آقای دکتر خطیبی، ریاست محترم شیرو خورشید سرخ ایران

با کمال تأسف از فاجعه زمین لرزه منطقه فارس اطلاع یافتیم. پیرو تلگراف مخابره شده، کانون پزشکان و دندانپزشکان ایرانی فارغ التحصیل از دانشگاههای آلمان و اتریش، با ابراز تأسف و همدردی با قاطبه ملت ایران، آمادگی کامل خود را برای هرگونه کمک اعلام میدارد. پزشکان ایرانی، آماده اند با حضور و شرکت فعالانه خود در درمان آسیب دیدگان، شیرو خورشید سرخ ایران را یاری کنند. همچنین مقدار قابل توجهی دارو برای ارسال بمنطقه زلزله زده موجود است. خواهشمند است هرچه زودتر ما را مطلع سازید که چند نفر پزشک باین منظور میتوانند عازم ایران گردند.

با کمال احترام

کانون پزشکان و دندانپزشکان ایرانی
فارغ التحصیل از دانشگاههای آلمان

پاسخ به نامه‌های رسیده

در موارد ضروری و یا در مواردی که خوانندگان و همکاران محترم اظهار علاقه نمایند، پاسخ جداگانه داده خواهد شد. قبلاً مراتب سپاس خود را از همکاری خوانندگان و همکاران عزیز در این زمینه تقدیم می‌داریم. « هفت تحریریه »

- * همکار عزیز و ارجمند ما آقای دکتر رضا اکرمی ضمن ارسال متن سخنرانی خود در کنگره جراحان - که در این شماره چاپ شده است - مینویسند: "... در صورتیکه سخنرانیهای من مورد توجه هیئت مدیره قرار گیرد با کمالات از این بعد هر موضوعی که از طرف من در کنگره ها مورد بحث قرار گیرد تقدیم میکنم. . . و اگر بودن من برای ترجمه لازم باشد هر طور که بخواهید خودم را در اختیار دوستان میگذارم. " جهان پزشکی: سپاسگزاریم!
- * دوست عزیز آقای مصلحی - شاد از وین مینویسند: " امروز مجله وزین "جهان پزشکی" . . . را دیدم. از آشنائی با این مجله که در خور ستایش است بسیار خوشوقتم. . . مطالب آن خواندنی بود بدینوسیله مراتب تقدیر و ستایش خود را . . . ابلاغ می‌دارم. . . تقاضا دارم با درس من شماره‌های جدید مجله را ارسال فرمائید. امیدوار بتوانم در آینده با آن مجله ورین همکاری کنم. . . " جهان پزشکی: با سپاس فراوان دستتان را میفشاریم!
- * همکار عزیز آقای محمد شیرازی مینویسند: " متأسفانه بعلمت تغییر محل کار فرصت مکاتبه با شما را نگردم. امروز خوستم با اطلاع برسانم که یک مقاله علمی. . . که بمناسبت ۶۰ سالگی رئیس بخش زنان دانشکده همبورگ بایشان هدیه کردم برایتان میفرستم. . . تقلید همکاران خارجی دیگر این مقاله را بفارسی ترجمه کردم برای چاپ در مجله دانشکده پزشکی تهران - قبل از تحقیقات از وضع آنها - فرستادم. نسخه اول آن از قرار نگشت، در صورتیکه با بست سفارشی فرستاده شده بود. پس از ارسال نسخه دوم نیز چاپ آنرا بتعویق انداختند؛ بالاخره مجبور شدم مقاله را پس بگیرم و باعث پشیمانی شد. . . من متایل به همکاری با مجله "جهان پزشکی" هستم. خواهی بیرسم آیا چاپ آن در مجله میسر است؟ . . . " جهان پزشکی: این مجله از آن شماست و تریبونی است که بهمه پزشکان ایرانی تعلق دارد. ما احساس شما را خوب میفهمیم و برای همکاری شما ارج بسیار قائلیم.
- * دوست و همکار گرامی آقای منصور میرهاشمی مینویسند: "... برای ایراد یک سخنرانی در باره. . . احتیاج به دارک و آمار دارم. در اینباره مدت‌ها پیش‌تره بسیاری از دانشگاهها و وزارتخانه های ایران نامه نوشتم که مع التأسف هنوز جوابی در این باره ندادند. . . خواهش دارم اگر شما دسترسی باین قبیل منابع داشته و بیا طرق دسترسی بآن را میدانید، سرا در یابید! . . . " . . . هم ایشان پس از تماس تلفنی و مکاتبه در نامه بعدی خود مینویسند: "... بدیهی است که پس از برگزاری سخنرانی شما را در جریان خواهیم گذاشت. . . در باره همکاری با کانون و نشریات کانون با کمال میل سعی خواهیم کرد. اشکال کار در ترجمه است. اغلب ترجمه های فارسی ضخیم و غیر قابل فهم فوری از کار در میآید. بنظر من سعی در یافتن کلمات معادل لغات علمی لاتین و یونانی، در فارسی، از حس سلطیت قوی و متعصب سرچشمه میگیرد و مشخص من چه بسا در رکناش معادل بجا اصل مطلب را فراموش کرده و از کار ترجمه گذر و خسته و دلشکسته می‌شوم. . . " جهان پزشکی: دوست عزیز همانطور که خودتان در جای دیگر نامه تان اشاره کرده اید کوشش ما در تنظیم لغتنامه بیش از همه بخاطر رفع همین محذور است. با وجود این دلسرد نشوید و کوشش کنید مطالب علمی خود را بفارسی نیز بنویسید!
- * همکار صمیمی ما آقای دکتر عاشمیان مینویسند: "... شماره اضافی مجله بدستم رسید، خیلی خوشحال شدم و متشکرم. . . یک مقاله دیگر برای ترجمه و چاپ میفرستم. . . چون مایل بکمک بمجله و کانون (بطور آزادانه) هستیم امروز علاوه بر حق آبونه سالانه مبلغ ۵۰۰ تارک دیگر بحساب کانون فرستادم و امیدوارم بتوانم در آینده هم در حد امکان کمک کنم. من بکانون و طرز کار و پیشرفت آن علاقه زیادی دارم. در ضمن آدرس سه همکار را برایتان میفرستم "جهان پزشکی: با سپاس فراوان از همکاری و همراهی دوست عزیز می‌کوشیم شایسته اینهمه لطف بید ریغ بنامیم.

Gezielte
organspezifische
Chemotherapie des
Prostatakarzinoms:

Honvan[®]

Honvan ist auch bei
oestrogenresistenten Fällen
wirksam - es verursacht
keine oder nur
geringe Feminisierungs-
erscheinungen

Zusammensetzung: 1 ml Injektionslösung enthält: 60 mg
Tetranatr. fosfestrol.; 1 Tablette enthält: 120 mg Tetranatr. fos-
festrol. Handelsformen und Preise: 10 Ampullen zu 5 ml =
DM 45,80, 20 Tabletten = DM 21,45, 50 Tabletten = DM 40,20.
Außerdem Anstaltspackungen.



ASTA-WERKE AG
Chemische Fabrik
4812 Brackwede

Djahane Peseschki

9. Jahrgang

Heft 2 · April · Mai · Juni 1972

Herausgeber: Vereinigung der iranischen Ärzte und Zahnärzte
in der Bundesrepublik Deutschland und Österreich

Anschrift: 4 Düsseldorf, Postfach 2307
Postscheckkonto Köln 105636

INHALT		Seite
Djahane Peseschki	Aktuelles	5
Djahane Peseschki	Kritische Betrachtung einer Untersuchung in Isphahan	8
Dr. Dj. Kaschanizadeh	Comahepaticum	13
Dr. R. Rezai	Fluorid und Karies	16
Dr. M. Assemi	Ileo-Thorako-Pagus	20
Dr. P. Meykadeh	Psychoanalyse	27
Dr. P. Meykadeh	Buchbesprechung	32
Dr. C. Tschaharganeh	Cytophotometrie und Karyometrie	34
Dr. A. Haschemian	Ketamin	43
Dr. Dr. R. Akrami	Zum Problematik der Vagotomie	45
FARZIN	Mostowfi gegen Mostowfi	48
Anton Tschechow	Obduktion	51
Dr. A. Danesch	Heisser als tausend Sonne	57
Djahane Peseschki	Verbandsnachrichten und Leserbriefe	61

Einzelpreis in Deutschland 2 DM, Studenten 1 DM, im Iran 20 Rial

Gesamtherstellung: Offsetdruck Herbert Laaser, Mönchengladbach, Jenaer Str. 7, Tel. 1 51 58

نوودیگال

پ. بیئرزدورف و شرکا

هامبورگ - ۳. ک.

قرص با ۰/۲ میلیگرم

بتا - استیل دیگوکسین

بهترین گلیکوزید قابل جذب

از دسته لاناتا - س[®]

Novodigal[®]

PHARMA



HAMBURG

Tabletten mit 0,2 mg

β -Acetyldigoxin

ist das bestresorbierbare Glykosid der Lanata-C-Reihe

wird binnen 30 Minuten

am Herzen wirksam

ist ausgezeichnet verträglich

hat eine gut steuerbare Wirkung

läßt sich einfach dosieren

bietet Dosierungs- und

Effektsicherheit

در مدت ۳۰ دقیقه بر روی قلب

تاثیر میکند

قابلیت تحمل آن بسیار خوب

تاثیر آن بخوبی قابل تنظیم

دز آن ساده است

از نظر دز و تاثیر

قابل اطمینان است

P. Beiersdorf & Co. AG Hamburg

... رپاها گر نمی افتاد روی جاده‌ها لغزان.

ما چه می کردیم در کولاک دل آشفته‌ی دمسرد ؟ ...

سیاوش کسرای

توضیح:

با سپاس از دکتر م. ک. از تهران که این شماره‌ی مجله‌ی «جهان پزشکی» و مقاله‌ای در معرفی رفقای توده‌ای دکتر احمد دانش شریعت‌پناهی و دکتر پرویز میکده را از طریق ایمیل، برای این کتابخانه ارسال داشتند، لازم می‌داند به اطلاع برساند: در یادنامه‌ای از رفیق دانش، مطالبی - در باب تخصص و دانش وی، مبارزه‌ی انقلابی، پی‌گوندگی دستگیری و شهادت وی - در اختیار علاقمندان قرار خواهیم داد.

کتابخانه به سوی آینده، منتشر کرد!



قاعده علم همین است خاص کت دهد از جهل و تکبر خلاص (امیر خسرو دهلوی)

در دست تهیه:



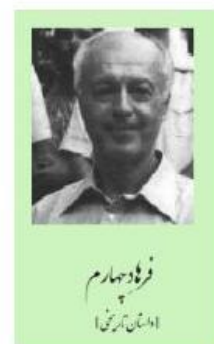
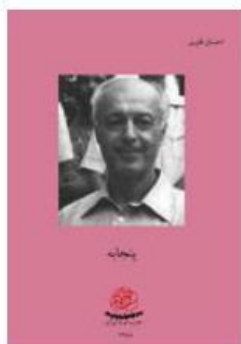
برای دریافت کتاب‌های زنده‌یاد رفیق (عسارن طبری به تازنگارهای زیر مراجعه کنید)

<http://www.tudehpartyiran.org>

۱- کتاب‌خانه حزب توده ایران

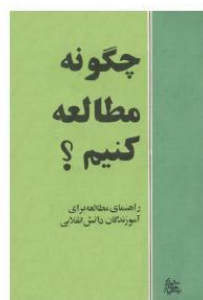
<http://tabari.blogspot.com>

۲- انجمن دوستداران (عسارن طبری)



از انتشارات حزب توده ایران

به زودی منتشر می‌شود:



کتابخانه «به سوی آینده» در نظر دارد پیش از اعظم کتاب‌های مندرج در کتاب‌های راهنمای مطالعه موسوم به «چگونه مطالعه کنیم؟» از انتشارات **سارمان جوانان حزب توده ایران** و با کدام کتاب‌ها آغاز کنیم؟ از انتشارات **کانون دانش‌آموزان ایران** را در دسترس علاقمندان قرار دهد. ما را یاری کنید!

«... کار و دانش را به تفت زر بنشانیم ...»

انتشار این سری از کتاب‌های کتابخانه «به سوی آینده» به افتخار قرار گرفتن قریب‌الوقوع در آستانه‌ی هفتادمین سالگرد آغاز پیکار حزب طراز نوین توده‌ها: **حزب توده ایران**. در راه تفتت تقوی کارگران و زحمتکشان. در راه بهروزی میهن و استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی. تقدیم علاقمندان می‌گردد.

کتابخانه «به سوی آینده» (هوادار حزب توده ایران)

